

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۷/۰۹

نویسنده : رب یوری «Rob Urie»  
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

## قای پریگوژین به واشنگتن می رود

### Mr. Prigozhin Goes to Washington

منبع و تاریخ نشر: کونتر پانچ «2023-07-03»



منبع عکس: دولت فدراسیون روسیه 3.0 CC BY

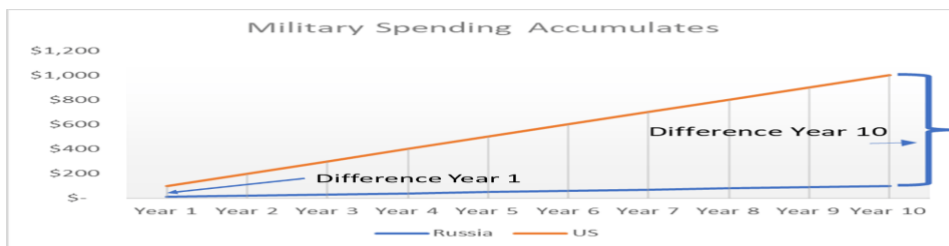
\*\*\*\*\*

خوشحالی که با این خبر مواجه شد که یوگنی پریگوژین، الیگارش روسی و رئیس اصلی گروه واگنر، سرکش شده است، اگر تشکیلات سیاسی آمریکا قادر به شرمساری بود، ممکن بود ناخوشایند باشد. این نیست. اینکه بزرگسالان ادعایی امیدوار به انحلال روسیه هستند و پیامدهای اجتماعی فاجعه باری که در پی خواهد داشت، مستلزم ناآگاهی از تاریخ است که اگر آگاهانه انتخاب شود، قهرمانا نه خواهد بود. این حقیقت که مردم آنچه را که نمی دانند نمی دانند، در لحظه سیاسی کنونی برای ایالات متحده اهمیت خاصی دارد.

جزئیات داستان تا به حال به خوبی شناخته شده است و در اینجا به جز در مواردی که مرتبط با شد، دوباره توضیح داده نخواهد شد. از زمانی که روسیه SMO (عملیات ویژه نظامی) خود را راه اندازی کرد، در گزارش های مطبوعات غربی غایب بود، تاریخ واقعی که منجر به درگیری شد. پریگوژین در راه خود به روستوف-آن-دون با یک سری ادعاهای ضد تاریخی در مورد شروع جنگ وارد این غیبت شد، همه در حالی که وفاداری خود را به ولادیمیر پوتین اعلام کرد. مطبوعات آمریکایی که خارج از بحث هایی که دولت بایدن به آن ارائه کرده بود، چیزی در مورد جنگ نمی دانستند، با دیدن یکی از روسی ها که سیارا کانالیزه می کرد، یک وارگاسم جمعی به وجود آمد. هرچقدر هم که از رویدادهای جاری یا موجود «احساس» هم داشته باشند، آمریکا بیش از یک قرن است که در امور داخلی روسیه مداخله کرده است. **ودرو ویلسون**، نژادپرست و فاشیست مترقی و چیزفهم، کمیته اطلاعات عمومی را برای فروش جنگ جهانی اول به مردم آمریکا ایجاد کرد. با پاپا یا فتن جنگ، **ویلسون**؛ نیروهای اعزامی آمریکا را به روسیه اعزام کرد تا انقلاب بلشویکی را معکوس کند یا آنرا متزلزل سازد از قضا (نه)، بریتانیا نیایی ها و فرانسوی ها نیز نیروهای اعزامی را به همین هدف به روسیه فرستادند. نکته یا اصل مطلب اینکه: جنگ طلبان بیشتر غرب ضد روسیه که در حال حاضر از جنگ نیابتی **نا تو** در اوکراین حمایت می کنند، این حمایت از اوایل قرن بیستم در حال انجام است.

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی



**نمودار:** در این فرضیه ساده شده بر اساس تفاوت های فعلی بین هزینه های نظامی ایالات متحده و روسیه، نسبت هزینه های ایالات متحده به روسیه در سال اول 10:1 است، در حالی که مقدار دلاری تفاوت 90 دلار (100 تا 10 دلار) است. تا سال 10، نسبت ثابت باقی می ماند (10:1)، در حالی که اختلاف دلار تجمعی به 900 دلار افزایش یافته است. ایالات متحده 1000 دلار برای ارتش خود هزینه کرد در حالی که روس ها 100 دلار. منطق با زار میا نه (ارزش = هزینه)، ایالات متحده ده برابر بیشتر از روسیه تولید کرده است. و با این حال روسیه یک تهدید نظامی است؟ منبع: Urie :

\*\*\*\*\*

موضع یا موقف گیری سیاسی پیرامون تور «سفر» **پریگورین** از روستوف-آن-دون عمدتاً بیان مجدد دیدگاه های آگاهانه از امنیت ملی-دولتی مصرف کنندگان معمولی تبلیغات دولتی آمریکا بوده است. هما نظر که در اظهارات **پریگورین** که اکنون به خوبی سانسور شده است در اینترنت نشان می دهد، او نکات صحبتی دولت **بایدن** را در مورد علل جنگ ("غیر تحریک آمیز") مطرح کرد که با این ادعاها همراه بود که رهبری نظامی روسیه بیشتر به کسب مدال علاقه مند است تا پیروزی در جنگ ها.

درست قبل از پایان جنگ جهانی اول، در سال 1918، یک نیروی آمریکایی متشکل از هفت هزار نفر در ولادی وستوک به عنوان بخشی از مداخله متفقین در روسیه فرود آمد و تا اوایل سال 1920 در آنجا باقی ماند. از یک نیروی اعزامی متفقین، که تقریباً یک سال در آنجا ماند. وزارت امور خارجه به کنگره گفت: «همه این عملیات ها برای خنثی کردن تأثیرات انقلاب بلشویکی در روسیه بود.» **هوارد زین**، تاریخ مردم ایالات متحده.

به نظر می رسد ویدئوی **پریگورین** در تضاد با وقایع تاریخی که **ولادیمیر پوتین**، رئیس جمهور روسیه از آن به عنوان علت تقریبی SMO (عملیات ویژه نظامی) روسیه یاد کرد، از اینترنت ناپدید شده است. **پریگورین** در مخالفت با نقشه های سازمان امنیت و همکاری اروپا از نیروهای اوکراینی که در مرز دونباس در ژانویه 2022 در مرز دونباس جمع شده بودند، هنگام گلوله باران اوکراینی های روس قومی، اظهار داشت که آقای **پوتین** که ادعاهایش در نقشه ها پشتیبانی می شود، دروغ می گوید. به طور واضح، سازمان امنیت و همکاری اروپا یک نهاد اتحادیه اروپا است که هیچ ارتباطی با دولت روسیه ندارد.

اخباری مبنی بر اینکه «سازمان های جاسوسی ایالات متحده» مدت ها قبل از بازگشت **پریگورین** به روسیه، کنگره را در جریان برنامه هایش قرار داده بودند، حکایت از آگاهی از قبل دارد. با اظهارات **جو بایدن**، رئیس جمهور ایالات متحده، که ایالات متحده هیچ نقشی در این شورش ایفا نکرده است، تعداد مخاطبان او به تعداد شهروندان جهان که به سرعت در حال کاهش است که نظرات او را جالب، قابل قبول یا مرتبط می دانند، کاهش یافته است. افشای اخیر (ادعا) اسناد پنتاگون، وزارت دفاع و آژانس اطلاعاتی توسط **جک تکسیرا**، سخنان خوشحال کننده دولت **بایدن** در مورد توان نظامی اوکراین را دروغ می داند.

افشاکری های **Teixeira** دیدگاه بسیار تلخ تری از جنگ تا به امروز را نشان داد، و همچنین سؤالات اساسی در مورد چشم انداز اوکراین برای «جهش» بهار/تابستان ایجاد کرد. در واقع، این افزایش بلافاصله قبل از تعطیلات **پریگورین** در روسیه متوقف شد. فاش نشده است که آیا این نشان دهنده شکست شدید اوکراینی ها است، مکتبی که تازه می کند، یا پیش بینی شورش **پریگورین**، فاش نشده است.

**پریگورین** که در مطبوعات آمریکایی به عنوان تلاش برای کودتا توصیف شد، متعاقباً ادعا کرد که این انگیزه اقدامات او نبوده است. این که آیا این درست است یا زمانی که نهادهای پیشرو دولت روسیه در اطراف **ولادیمیر پوتین** گرد هم آمدند، سردرگم شد، سؤالی است که برای کتاب های تاریخ مطرح می شود. اینکه سازمان های اطلاعاتی ایالات متحده از اقدامات **پریگورین** از قبل اطلاع داشتند، به آنها احساس "میدان" می دهد. اینکه اکثر آمریکایی ها اطلاعی از این ندارند که ایالات متحده رئیس جمهور منتخب اوکراین، **ویکتور یانوکوویچ** را در کودتای 2013 تا 2014 به رهبری ایالات متحده برکنار کرد، به توضیح حمایت آمریکا از جنگ کمک می کند.

سرهنگ بازنشسته ایالات متحده **داگلاس مک گرگور**، مفسر مکرر و روشنگر رویدادهای اوکراین، متقاعد شده است که انگیزه های **پریگورین** ارتباط چندانی با کودتا نداشت. نظریه **مک گرگور** این است که رهبری نظامی روسیه، از

جمله **پریگوزین**، از سرعت آهسته جنگ، به ویژه پس از انفجار آشکار "افزایش" اوکراین، ناامید شده است. نقطه شروع آمریکا برای جنگ، نشان می دهد که داستان چیزهای بیشتری وجود دارد.

**پریگوزین** تاریخ جنگ را با عباراتی که مستقیماً از صحبت های **سیا** آمده بود به چالش کشید. توضیح روسیه از زمستان 2021 این بوده است: (1) جنگ با کودتای 2013-2014 به رهبری آمریکا در اوکراین آغاز شد که به نوبه خود منجر به (2) و جنگ داخلی هشت ساله در اوکراین شد که در آن (3) ده ها هزار نفر اوکراینی های روس قومی توسط جناح راست **با ندریت** (معروف به نازی ها) مورد حمایت ایالات متحده سلاخی شدند. با استفاده از نقشه های سازمان امنیت و همکاری اروپا، روس ها به این نتیجه رسیدند که اوکراینی ها در آستانه انجام یک حمله بزرگ علیه اوکراینی های روس قومی در دونباس هستند.

آمریکایی ها ادعا کرده اند که حمله روسیه به اوکراین «بی دلیل» بوده است، زیرا هیچ ارتباطی با کودتای 2013-2014 آمریکا در آنجا، جنگ داخلی متعاقب آن، یا بیش از سه دهه افزایش نیروها و تسلیحات **نا تو** توسط آمریکا نداشت. به مرز روسیه در برابر درخواست های مکرر روس ها مبنی بر عدم انجام این کار. این عمل ضد تاریخ غربی همان چیزی است که **یوگنی پریگوزین** هنگام اعلام حرکت نیروهای گروه واگنر به روسیه فریاد می زد. حقایقی که به طور گسترده قبل از راه اندازی SMO درست در نظر گرفته می شدند، اکنون در ایالات متحده ممنوع هستند.

دیدگاه سرهنگ **مک گرگور** مبنی بر اینکه **پریگوزین** از سرعت محدود حمله نظامی روسیه در اوکراین ناامید شده است، توضیح کاملی برای رویدادهای اخیر به نظر نمی رسد. اولاً، اکثر آمریکایی ها نمی دانند که سرعت روسیه محدود شده است. تا جایی که مخالفت با جنگ در داخل روسیه وجود داشته است، بخش قابل توجهی از آن ناشی از این واقعیت است که رهبری نظامی و سیاسی اوکراین هنوز به هر شکل مجسم وجود دارد. «شوک و هیبت» این است که چگونه آمریکایی ها یک ملت را نابود می کنند.

مگر اینکه **پریگوزین** ادعا کند که سازمان امنیت و همکاری اروپا با نقشه های خود به منافع تبلیغاتی جنگ روسیه خدمت می کند - تلاشی کم احتمال، در این صورت او با اعلام فریادانه خود مبنی بر حرکت گروه واگنر به روسیه تعهد وفاداری به تلاش های جنگی ایالات متحده / ناتو / اوکراین می داد. این به توضیح آگاهی از پیشین اقدامات او توسط سازمان های اطلاعاتی غربی کمک می کند. این همچنین با اصرار **جو بایدن** رئیس جمهور ایالات متحده مبنی بر اینکه ایالات متحده با **پریگوزین** همسو نیست، در تضاد است.

با این حال، روس ها مخاطب مورد نظر برای عدم انسجام بی هدف **بایدن** نیستند. جها ن «یعنی دولت هایی که در تئوری منافع 80 درصد جمعیت جهان را نمایندگی می کنند، زمانی که **پریگوزین** به تعطیلات تابستانی رفت از روسیه حمایت کردند و هنوز هم همینطور هستند. این امر عدم انسجام غرور لیبرال آمریکایی را نشان می دهد که آنها (لیبرال ها) منافع مستضعفان جهان را نمایندگی می کنند. جنوب جهانی از روسیه حمایت می کند نه آمریکا. اگر آمریکایی ها در خارج از کشور به عنوان آزادی خواه در نظر گرفته شوند، چرا چنین می شود؟

تشابهات بین جو بایدن و وودرو ویلسون در حال افزایش است. هر دو تکنوکرات های لیبرال بودند که سیاست های نژادپرستانه و فاشیستی/سرکوبگرانه را نهادینه کردند و در عین حال خود را ناجی بشریت از طریق جنگ های نابخردانه اعلام کردند. جنگ جهانی اول جهان را آتش زد. سرهنگ **مک گرگور** با برخی توجیهات استدلال می کند که بدون تلفات گسترده روسیه در جنگ جهانی اول انقلاب بلشویکی رخ نمی داد. نبرد کشتی پونتمکین «سرگئی آیزنشتاین برخی از این تنش ها را آشکار می کند».

**اقیانوسیه در جنگ با اوراسیا بود: بنابراین اقیانوسیه همیشه با اوراسیا در جنگ بوده است. دشمن لحظه ای همیشه شر مطلق را نشان می داد و در نتیجه هرگونه توافق گذشته یا آینده با او غیرممکن بود «جورج اورول، 1984».**

بنابراین، مجدداً، نگرانی در داخل روسیه در مورد سرعت کند جنگ با آنچه به آمریکایی ها در مورد آن گفته شده است، در تضاد است. در حالی که افشای اسناد اخیر وزارت دفاع و آژانس اطلاعاتی حاکی از آن است که جان صدها هزار سرباز و وظیفه اوکراینی تا به امروز از دست رفته است، سی ان ان و نیویورک تایمز به اورول تمام شده اند. **جفری ساکس**، اقتصاددان توسعه آمریکایی، که توسط وزارت امور خارجه برای بازدید از اوکراین در جریان "قیام" میدان دعوت شده بود، توضیح می دهد که چرا و چگونه کودتای تحت حمایت ایالات متحده در اینجا انجام شد. بیشتر به این نکته، گروه بزرگی از لیبرال های آمریکایی به مدت هجده ماه استدلال کرده اند که جنگ در اوکراین باید تا پیروزی اوکراین ادامه یابد. اگر اوکراینی ها در جنگ پیروز شوند، این استدلال یک چیز است و اگر نبردند کاملاً چیز دیگری است. افشاگری های (ادعای) Teixeira نشان می دهد (1) آنچه مقامات آمریکایی به طور علنی در مورد پیشرفت جنگ می گویند با آنچه در خصوصی در مورد آن می گویند در تناقض است، و (2) ارزیابی رسمی نشان می دهد که اوضاع برای آن بسیار ضعیف است. اوکراین.

این امر حا میا ن آمریکایی جنگ را در موقعیتی قرار می دهد که اوکراینی ها را داوطلب می کند تا برای جنگی بمیرند که آنها (آمریکایی ها) آن را درک نمی کنند. و با این حال هیچ پاسخگویی وجود ندارد. ضرب المثل «شما» حقایق شما را اشتباه می کرد و در نتیجه تعداد زیادی از سربازان وظیفه اوکراینی جان خود را از دست دادند. اما اینجا آمریکاست. شما" به دلیل اشتباه بودن حقایق خود ترفیع می گیرید. در نتیجه افراد زیادی جان باختند. با این حال، همانطور که از جنوب جهانی می گوید، لیبیوتی ها شورش می کنند.

یک مشکل نهادی در ایالات متحده این است که نیروهای داخلی که جنگ را تحریک کرده و به حمایت از آن ادامه می دهند، در صورت مخالفت مردم علیه آن، در خطر از دست دادن قدرت هستند. با توجه به اینکه جو بایدن منافع MIC (مجتمع صنعتی-نظامی)، وال استریت، صنعت فناوری و صنعت نفت و گاز مستقر در ایالات متحده را نمایندگی می کند، ترس این است که جمهوری خواهان جعلی ضد جنگ بتوانند نیکسون را بکشند و جنگ را تغییر دهند. و همراه با آن، حمایت اهداکنندگان، از دستان دموکرات گرفته تا جمهوری خواهان. متأسفانه هم برای قهرمانان خودخوانده و هم برای تبهکاران در این سناریو، اوکراین در حال شکست دادن جنگ است.

آنچه باید ترس از بودا، بیهوه، خدا را در آمریکایی های واقعی، برخلاف طبقه سیاسی آمریکا، ایجاد کند، گفتمان شهوانی است که برای ادعای این که جنگ های هسته ای قابل پیروزی هستند استفاده می شود. به عقب برگردید و منطق تولید تسلیحات هسته ای آمریکا را از دهه های 1950 تا 1970 بخوانید و متوجه می شوید که تولید سلاح های هسته ای نسبت به هزینه مهمات نظامی متعارف «ارزان» است. این که ذخایر کم مهمات غیرهسته ای می تواند انتخابی بین تسلیم شدن یا استفاده از سلاح های هسته ای در زمان ایجاد شرایط نامطلوب ایجاد کند، نشان می دهد که با کم شدن ذخایر ناتو، کودکان بزرگسال دولت بایدن می توانند با استفاده از سلاح های هسته ای تاس بیندازند.

علاوه بر این، با اجرای سیاست خارجی آمریکا توسط MIC، و سوسه استفاده از جنگ برای فروش تسلیحات هسته ای «تاکتیکی» جدید تر به مشتریان بین المللی از طریق نمایش آن ها در میدان جنگ، احتمالاً قوی است. همان طرز فکر آلفرد ای. نیومانسک که ادعا می کرد آمریکایی ها با حمله به عراق در سال 2003 به عنوان آزادی بخش مورد استقبال قرار می گیرند، تصور می کند که روس ها در مورد خطوط قرمز هسته ای خود جدی نیستند. تاریخ جعلی بحران موشکی کوبا که آمریکایی ها از آن تغذیه شده اند نشان دهنده استاندارد MIC است. تا سال 1962، آمریکایی ها سلاح های هسته ای ضربه اول را در فاصله چند کیلومتری روسیه (شوروی اتحاد جماهیر شوروی) نصب کرده بودند، زیرا وانمود می کردند که از اینکه شوروی همین کار را انجام خواهد داد، شوکه شده اند.

به همین ترتیب، بسیاری از خشونت هایی که پس از انقلاب بلشویکی به بلشویک ها نسبت داده می شود، ناشی از جنگ جهانی اول بود که اروپای شرقی و کشورهای بالتیک را فرا گرفت. جنگ جهانی اول از 1914 تا 1918 به طول انجامید، در حالی که انقلاب بلشویکی در سال 1917 رخ داد، اما تا سال 1922، زمانی که جنگ داخلی (شوروی) پایان یافت، حل نشد. بار دیگر، آمریکایی ها، بریتانیایی ها و فرانسوی ها ارتش های ثابتی را فرستادند تا پیروزی بلشویک ها را معکوس کنند تا یک دولت لیبرال و غرب دوست را برپا کنند که دارای سرمایه گذاران غربی را در اتحاد جماهیر شوروی پس از انقلاب تضمین کند.

آمریکایی ها 117000 سرباز را در جنگ جهانی اول از دست دادند در حالی که روس ها پنج و نیم میلیون نفر را از دست دادند. بی رحمی شدید جنگ جهانی دوم محصول خصومت های باقی مانده از جنگ جهانی اول بود. هولوکاست، که آلمانی نازی ها به خاطر آنچه در سراسر اروپای شرقی و کشورهای بالتیک تکرار شد، مقصر شناخته شدند. برای روشن بودن، این هولوکاست های دیگر معاصر هولوکاست نازی ها بودند، نه الهام گرفته از آن. در حالی که قبل از ظهور نازی ها، قتل عام های الهام گرفته از یهودی ستیزی اروپایی وجود داشت، تلفیق بلشویسم با یهودیت، جنگ جهانی دوم را به امپریالیسم سرمایه داری گره زد.

نازی ها بیشتر به عنوان همسفران ضد کمونیست در نظر گرفته می شدند تا دیوانه های نسل کشی که امروزه به آنها نگاه می شود. وقتی تاریخ انتخابی کنار گذاشته شد، همسفران تفسیر قابل قبول تری به نظر می رسند.

مزخرفات نئورئالیستی «قدرت های بزرگ» که از زمان راه اندازی SMO روسیه دوباره رایج شده است، نمایشی «سیاسی» از ایده ها و رویدادهایی است که اساس خود را در رقابت اقتصادی امپریالیستی یافتند. در نظر بگیرید: توضیح **جو بایدن** در مورد علاقه ایالات متحده به اوکراین قبل از هر چیز اقتصادی است - جلوگیری از کنترل روسیه از طریق وابستگی اروپا به نفت و گاز روسیه. واضح است که **بایدن** با ایده وابستگی اقتصادی مشکلی ندارد. مشکل او با نقش روسیه در آن است.

در نظر بگیرید: وابستگی اقتصادی یک پدیده غیرقابل توضیح در اقتصاد سرمایه داری است زیرا تضمین قدرت قهری است. قبل از راه اندازی SMO روسیه، روسیه نفت و گاز خود را با قیمت یا رانه ای به اروپا می فروخت و آن را برای صنعت اروپا جذاب تر می کرد، در حالی که صنایع مذکور را به هوسبازی های منافع ملی روسیه

واگذار می کرد. پرداخت قیمت نفت و گاز دربارها هزینه های صنعت اروپا را افزایش می دهد، یا باعث کاهش سود یا گران تر شدن محصولات اروپایی در بازارهای جهانی می شود (همچنین باعث کاهش سود می شود). این امر به دولت روسیه قدرت اجباری بر کشورهای اروپایی از طریق صنایع «آنها» داد.

رؤسای جمهور اخیر ایالات متحده این را درک کردند، از این رو اتحاد **دونالد ترامپ** و **جو بایدن** برای جلوگیری از تامین نفت و گاز روسیه توسط روس ها به اروپا انجام شد. اما «آزادی» خرید کالاها و خدمات، از جمله نفت و گاز روسیه، از هر کسی که برایش مهم است، چه شد؟ در منطق لیبرال آمریکایی، اوکراین «حق» دارد که در صورت تمایل با **نا تو** ارتباط برقرار کند، درست مانند آلمان ها و فرانسوی ها «حق» خرید نفت و گاز با تخفیف از روسیه. پاسخ «فاشیستی» منفجر کردن خط لوله بود - با نام مستعار. نورد استریم ۱ و نورد استریم ۲.

در حالی که اینجا جای برای افشای کامل ریاکاری ها و پارادوکس های سرمایه داری نیست، آنچه که ایالات متحده در خارج انجام می دهد، آن گونه که نظریه پردازان آن توضیح می دهند، سرمایه داری نیست. اما آن طور که مارکسیست ها توضیح داده اند، سرمایه داری است. امپریالیسم سرمایه داری یک ملغمه شرکت - دولت است که برای ارسال منابع دولتی به خارج از کشور به نفع شرکت های اسماً سرمایه داری در داخل وجود دارد. نام جایگزین این امپریالیسم سرمایه داری فاشیسم است. تفاوت سیاسی-تئوریک بین دولت-سرمایه داری و فاشیسم در این است که چه کسی دولت را کنترل می کند.

این دیدگاه مارکسیستی از سرمایه داری، آلمانی ها را به عنوان رقبای امپریالیستی ایالات متحده در هر دو جنگ جهانی قرار داد. این با دیدگاه اخلاقی کنونی نازی ها به عنوان انسان های مذموم کاملاً متفاوت است. از گزارش **اریک لیختنبلانو** (در بالا)، وضوح اخلاقی در مورد نازی ها برای آمریکایی ها به نسبت تعداد آمریکایی های یهودی ستیز از دوران جنگ جهانی دوم که مرده اند، پدیدار شد. اینکه جو بایدن نماینده پیشتاز اخلاقی طبقه لیبرال آمریکایی است طعنه آمیز اگر آنقدر رقت انگیز نبود.

با 10 برابر گران ترین ارتش جهان، می توان تصور کرد که ایالات متحده تسلیحات خوبی خواهد داشت. به گفته سرهنگ **مک گرگور**، اینطور نیست. **مک گرگور** بخش عادلانه ای از مسیر عرضه ناکافی سلاح های متعارف به استفاده از سلاح های هسته ای توسط آمریکایی ها را ترسیم کرد. این سوال واضح که گران ترین ارتش جهان پول خود را در کجا خرج می کند در اینجا مهم به نظر می رسد. در حالی که حدس و گمان می تواند در ایجاد توضیح بسیار زیاد باشد، تهدید نابودی هسته ای نتیجه مهم تر است.

با امتناع آمریکایی ها از اجرای چندین توافقنامه صلح که بین اوکراینی ها و روس ها امضا شده است، جنگ نیابتی **نا تو** در اوکراین اکنون به یک جنگ آمریکایی تبدیل شده است. و در حالی که لیبرال های آمریکایی که از جنگ حمایت می کنند مستحق هر عواقبی هستند که ممکن است برایشان پیش بیاید، بقیه جهان چنین نیستند. حالا جنگ را تمام کند.

**چند سطری درمورد نویسنده این مقاله :**

**راب اوری** هنرمند و اقتصاددان سیاسی است. کتاب اقتصاد زن او توسط انتشارات CounterPunch Books منتشر شده است



راب اوری

**با تقدیم احترامات «04-07-2023»**

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنې دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ